

بررسی نقش مدیریت شهری در افزایش مشارکت های اجتماعی با تاکید بر محله محوری (مطالعه موردی: منطقه ۸ تهران)

رضا علی محسنی^۱، بنیامین نعیمایی^۲

چکیده

هر ساله برنامه های عمرانی - اجتماعی و فرهنگی مختلفی اجرا می شود که نقش شهروندان در آنها تا حدودی موثر است. اما سهم و میزان مشارکت شهروندان می تواند بیش از گذشته افزایش یابد. این اتفاق می تواند تحقق پذیری بیشتر برنامه ها و رویکرد اجتماعی شهرداری را تقویت کند این پژوهش با هدف سنجش میزان بالفعل مشارکت شهروندان تهران در برنامه های مدیریت شهری، تدوین مدل و الگوی اجرایی و عملیاتی به منظور افزایش مشارکت پذیری صورت گرفته است. تحقیق از نوع توصیفی است که داده ها با ترکیبی از روش های کمی و کیفی جمع آوری شده است. بخش اول از طریق پیمایش و استفاده از فرمول کوکران با حجم نمونه ۳۸۴ نفر با ابزار پرسشنامه در سطح محلات ۱۳ گانه منطقه ۸ تهران تکمیل و تحلیل شده است. همچنین مصاحبه های فردی، نیمه متمرکز و فوکوس گروپ به منظور جمع آوری داده های کیفی از گروه های دیگر صورت گرفته است. یافته های پژوهش نشان می دهد به طور میانگین حدود ۶۰ درصد برنامه های اجرا شده توسط حوزه های مختلف شهرداری مشارکت مردمی را همراه خود داشته است اما عدم پایداری و تغییر اولویت ها منجر به کاهش مشارکت و استمرار آن شده است. همچنین عدم تعریف درست جایگاه شورایی ها و سراهای محلات شکلی ناقص از مشارکت مردمی و بومی را رقم زده است. نتایج نشان می دهد اقدامات مدیریت شهری که میزان بالاتری از فرایند اطلاع رسانی و آگاهی سازی را داشته است با همراهی بیشتر شهروندان روبرو است.

واژگان کلیدی: مشارکت، شهروندی، مشارکت پذیری، مدیریت شهری، مدیریت محلی.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۰۵/۱۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۱/۱۰

^۱ دانشیار گروه جامعه شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (Email: mohseni.net14@gmail.com)

^۲ کارشناس ارشد علوم اجتماعی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) (Email: Benyamin66@gmail.com)

مقدمه

برای اداره امور عمومی شهری دو روش بیشتر مورد توجه قرار دارد. روش حکومت، که در آن شهرداری مسئولیت تمام امور را برعهده دارد. این نهاد موظف است تمامی خدمات را برای شهروندان فراهم کند. این روش به سبب مسائلی مانند پیچیدگی روزافزون زندگی و کاهش توان مدیریت ها در حل مسائل شهری و از بین بردن یا تضعیف قوه استقلال و ابتکار عمل شهروندان، مورد چالش های جدی قرار گرفته است. دوم روش حکومت داری، که مسئولیت اداره عمومی شهر میان سه نهاد شهرداری، جامعه مدنی و بخش خصوصی تقسیم شده است. هر یک از این سه نهاد به طور مشترک در قبال تمامی مسائل پاسخگو هستند. در این رابطه مشترک، لازم است هر یک از شرکا منابعی را فراهم کنند. منابع شهرداری شامل امکانات فنی، توان مالی و روش های مردم سالارانه انجام امور و منابع بخش خصوصی شامل توان مدیریت و روش های بهره وری و کارآمد انجام امور و منابع جامعه مدنی شامل دارایی های اجتماعی و فرهنگی است. امروزه سازمان های غیردولتی و تشکل های مردمی به عنوان راهکار حل مشکلات و پاسخگویی به چالش های جامعه شهری مطرح هستند، نهادهایی که می توانند در جهت تحقق مدیریت پایدار شهری موثر واقع شوند. جامعه، سازمان های غیردولتی و سازمان های محله محور را نهادهایی برخاسته از مردم برای کمک به هموعان با نگرش های مبتنی بر توانمند سازی شهروندان می شناسند.

طرح مسئله

ویژگی پدیده ای چون جامعه، پویایی و تغییر است. همپای جوامع شیوه های حکمرانی نیز باید تغییر کند تا تعادل بین حکومت و شهروندان برقرار باشد. نمونه های موفق جوامع پویا که مردم در آنها زندگی به معنای کیفی و مطلوب را تجربه می کنند، تنها با مشارکت شهروندان و نهادینه شدن حق شهروندی به مقصود رسیده است. در حوزه مدیریت شهری در شهر تهران نیز این تفاوت ها و به دنبال آن راهکارهای متفاوت مشهود است. بررسی وضعیت مشارکت شهروندان در برنامه های مدیریت شهری و دستیابی به جدول اقدام - عمل که معطوف به افزایش حداکثری مشارکت پذیری شهروندان باشد از اهداف این مطالعه است تا از این طریق، مجموعه برنامه ها و اعتبارات هزینه شده با هدف ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان و منطبق با خواست آنها بوده و بتواند ابعاد اجتماعی فرهنگی مدیریت شهری را بر ابعاد خدماتی و پیش فرض آن غلبه دهد. حدود ده سال است که موضوع شورایاری محلات و سپس مدیریت محله محور در شهر تهران شکل گرفته و به دنبال خود ساختارهایی را ایجاد کرده است. در این ساختارها که ابتدا ۳۷۴ محله و سپس با تغییر مرزبندی محلات ۳۵۴ محله تهران را در بر گرفته است، افزایش مشارکت اجتماعی و واگذاری امور مردم به مردم از اهداف مهم بیان شده است. اینکه سهم مدیریت شهری در این امر چه میزان بوده و اینکه آیا توانسته است به اهداف تعریف شده دست یابد از پرسش های اساسی است. مدیریت شهری منطقه ۸ به عنوان نمونه مورد مطالعه دارای حوزه های مختلفی است که در قالب معاونت های مالی و اقتصاد شهری، خدمات شهری، حمل و نقل ترافیک، منابع انسانی، اجتماعی و فرهنگی و ... فعالیت می کنند. از آنجایی که بیشترین تماس بدنه اصلی اجتماع با مدیریت شهری در حوزه اجتماعی فرهنگی رخ می دهد تاکید پژوهش حاضر در این حوزه است و منظور از آن مجموعه اقدامات، برنامه ها و فعالیت هایی است که همه معاونت ها (نه فقط معاونت اجتماعی) در برخورد با جامعه و ارائه خدمات اجتماعی انجام می دهند. از آنجایی که زنان در جامعه ایران سهم عمده ای در انسجام خانواده و هدایت فعالیت های آن دارند موضوع مشارکت نیز با محوریت خانواده و خانوار تجلی یافته است. همچنانکه منطقه ۸ قریب به ۷۵ درصد پهنه مسکونی و دارای ۱۲۵ هزار خانوار است نقش زنان و خانواده اهمیت بیشتری دارد. با توسعه زیرساخت های عمرانی، منطقه ۸ دارای ۱۳ سرای محله به عنوان مراکز ارائه دهنده خدمات اجتماعی است. بر اساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰ محدوده شهرداری منطقه ۸ تهران دارای جمعیت برابر ۳۷۸'۱۱۸ نفر (۱۲۵'۷۵۷ خانوار) شامل ۱۸۵'۵۱۵ مرد و ۱۹۲'۶۰۳ زن بوده است، لذا این منطقه از تنوع فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و قومی برخوردار است. باید بدانیم وضعیت مشارکت شهروندی در چه شرایطی است و راههای افزایش آن چیست؟ اهداف اصلی پژوهش دستیابی به میزان، سطح و کیفیت مشارکت فعلی شهروندان

منطقه ۸، شناسایی تنگناها و چالش های افزایش مشارکت پذیری در سطح محله و منطقه، دستیابی به نقاط ضعف، قوت، تهدید و فرصت پیش روی مدیریت شهری در ارتقاء مشارکت، تدوین جدول کاربست و زمینه سازی برای سیاستگذاری و تصمیم گیری مدیران شهری است. قلمرو این پژوهش سازمانها و ادارات تابعه شهرداری منطقه ۸ تهران و محدوده مکانی آن نیز به محلات ۱۳ گانه موجود در مرزهای منطقه ۸ شهر تهران می باشد. این پژوهش بازه زمانی تشکیل مدیریت محلات در شهر تهران (۱۳۸۹-۱۳۹۵) را پوشش داده و معطوف به آینده است.

سوال های تحقیق

• الف) سوال اصلی:

وضعیت مشارکت شهروندان در برنامه های اجتماع محور مدیریت شهری منطقه ۸ چگونه است و راهکارهای افزایش و ارتقاء مشارکت پذیری آنان چیست؟

• ب) سوالات فرعی:

۱- مدیریت محله محور چه تاثیری در کیفیت مشارکت شهروندی گذاشته است؟

۲- چالش های ساختار مدیریت محله در مواجهه با مشارکت شهروندان چیست؟

۳- فرآیند دستیابی به افزایش مشارکت ساکنان منطقه ۸ چگونه است؟

ملاحظات نظری

مشارکت: هال^۱ معتقد است که تعارض بین نظریات عملگرایانه و نظریات عمدتاً فلسفی از مشارکت سبب شده است مشارکت به مفهومی چند وجهی بدل شود و طی زمان با معنای متفاوتی پیدا شود (Nikbin, S. 2007). از دید جامعه شناختی باید بین مشارکت به عنوان عمل و تعهد - عمل مشارکت - و به عنوان حالت یا وضع - امر شرکت دادن - تمییز قائل شد؛ مشارکت در معنای اول داشتن شرکتی فعالانه در گروه را می رساند و به فعالیت اجتماعی انجام شده نظر دارد و در معنای دوم از تعلق گروهی خاص داشتن سهمی در هستی آن خبر می دهد. او کلی^۲ معتقد است که مشارکت از بُعد کاربردی عبارت است از "حساس سازی مردم و در نهایت افزایش پذیرش و توانایی آنان برای پاسخ گویی برنامه ها، براساس تلاش های سازمان یافته" او کلی در تعریف زیر مشارکت را مشخص تر می سازد: مشارکت به مفهوم سهم داشتن^۳ و مشارکت به عنوان توانمند سازی^۴ یعنی برخوردار شدن مشارکت کنندگان از مهارت، قابلیت های توسعه ای و توان تصمیم گیری است. گالت، مشارکت مردمی را به عنوان جزء حیاتی استراتژی های توسعه دانسته و آن را واجد سه عملکرد عمده می داند. از دیدگاه وی مشارکت، اولاً نحوه برخورد غیرابزاری دولت با مردم و احساس ارزشمندی را تضمین می کند؛ ثانیاً مشارکت به عنوان حلال اصلی مشکلات در شرایط اجتماعی خود به شمار می رود علاوه بر آن مشارکت به عنوان کانالی عمل می کند که گروه ها و جوامع محلی می توانند از طریق آن به عرصه های کلان و بزرگ تر تصمیم گیری دسترس پیدا کنند از دیدگاه گالت بدون مشارکت، تدبیرهای توسعه هم غیرمردمی و هم بی نتیجه خواهد بود (Vahida, 2004).

فعالیت مشارکت جویانه و محلی: از دیدگاه آلموند^۵ و پاول^۶ فعالیت های مشارکت جویانه آن دسته از فعالیت هایی است که شهروند معمولی می کوشد از راه آن ها بر روی سیاست گذاری اعمال کند. انجمن های داوطلبانه مهم ترین عرصه شکل گیری و سازمان دهی فعالیت های مشارکتی در جامعه محسوب می گردند. از این نظر مشارکت اجتماعی ارتباط تنگاتنگی با جامعه مدنی دارد. سعد الدین ابراهیم جامعه مدنی را بیشینه سازی مشارکت جمعی سازمان یافته اختیاری در عرصه عمومی مابین افراد و دولت می

¹ Hall

² Okley

³ Contribution

⁴ Empowerment

⁵ Almond

⁶ Pawel

داند (Vahida, 2004). مشارکت به عنوان یک فرآیند اجتماعی، عام، جامع، چند جانبه، چند بُعدی، و چند فرهنگی است که سعی دارد همه گروه های مردم را در همه مراحل توسعه شرکت دهد (Nikbin, S. 2007).

مشارکت جامعه مدنی در مدیریت و اداره شهر: از دهه ی ۱۹۹۰ میلادی با چرخشی در دیدگاه های مربوط به مدیریت شهری مواجه هستیم که رویه ای متفاوت از "تخصیص منابع" را در برمی گیرند و بیشتر بر "فرآیندهای همکاری و مشارکت" استوارند. برای مثال نجاتی حسینی برنامه مدیریت شهری سازمان ملل متحد یا UMP^۱ و مصوبات اجلاس سال ۱۹۹۶ "هایتات ۲"^۲ در استانبول را دو نمونه ی برجسته از ظهور و توجه به این شیوه ی جدید از مدیریت شهری می داند (Nejati Hosseini, 2010). در این معنا مدیریت شهری از امری متمرکز که بر عهده ی دولت یا سازمان های ذی ربط است خارج شده و به شکل فرآیندی مشارکتی و غیر متمرکز در می آید که همه ی افراد و نهادها در آن مشارکت دارند و نقش بعضی سازمان های نو ظهور مانند سازمان های مردم نهاد^۳ در آن ها بسیار پررنگ است. به عبارتی به دولت ها پیشنهاد می شود که مدیریت شهری را در قالب نوعی از "حکمرانی محلی" اجرا نمایند که در آن حکومت به جای این که در پی تخصیص منابع باشد، به دنبال ایجاد نوعی از "حکمرانی خوب" است (Kalantari, 2012).

ایجاد، تقویت و حفظ جریان های شهروندی: تضمین مشارکت شهروندی مستلزم حداقل ۴ شرط عمده است که باید هنگام هر گونه کوشش برای نهادهای مشارکت عمومی، آنها را کاملاً در نظر گرفت:

الف) ایدئولوژی مشارکتی (بعد هنجاری): مشارکت مردمی تنها با تاسیس نهاد های مشارکتی شکل نمی گیرد، بلکه به ایدئولوژی مشارکتی نیز نیازمند است. پیش از آن که روند مشارکت گسترش مداوم خود را آغاز کند، نهادی شدن روحیه ی مردمسالاری ضرورت می یابد. در اغلب کشور های جهان سوم نهادی کردن ایدئولوژی مشارکت یکی از مشکلات اصلی است. ایدئولوژی مشارکت در کشور های در حال توسعه باید سه عامل را مورد تأکید قرار دهد:

۱) تقسیم عادلانه درآمد و امکانات توسعه: بدون تقسیم عادلانه قدرت سیاسی و اقتصادی، امکان مشارکت واقعی طبقات پایینی جامعه وجود نخواهد داشت.

۲) توسعه خودگردان: تنها با تأکید بر اصول توسعه خودگردان است که می توان توده ها را از اعتماد به نفس برخوردار ساخت.

۳) فعالیت اشتراکی.

ب) نهادهای مشارکتی (بعد سازمانی): شرط دوم، ایجاد نهاد های مخصوص است. ویژگی مشترک همه ی این نهاد ها، نا متمرکز گرداندن قدرت و هدایت آن به سطوح پایین جامعه است. کوشش برای تمرکز زدایی در اغلب کشور های جهان سوم به مشکلات زیادی برخورداری می کند.

ج) اطلاع رسانی: اگر نظامی برای اطلاع رسانی وجود نداشته باشد، ایدئولوژی مشارکتی یا نهاد های مشارکتی قادر به هیچ کاری نخواهد بود. اطلاعات در این زمینه به سه دسته تقسیم می شوند:

۱- اطلاعات ایدئولوژیک: شامل آگاهی های مربوط به تدابیر سیاسی دولت است.

۲- اطلاعات فنی: منظور مهارت و دانش های جدیدی است که ماموران ادارات عمومی به روستاییان منتقل می سازند تا اجرای بعضی طرح ها را بهبود بخشند.

۳- اطلاعات عملیاتی یا مربوط به مدیریت: همه ی آگاهی ها درباره شیوه و زمان اجرای طرح ها و برنامه و ... را شامل می شود.

¹ Urban Management Project

² Habitat

³ NGOs

د) وجود امکانات مادی و فنی: کمبود منابع مالی، انسانی که بتوان آن ها را در اختیار رده های پایین گذارد، مانعی در جهت کارآیی نهاد های ویژه تضمین مشارکت به شمار می رود. اگر مردم به امکانات مالی و اختیارات لازم برای اجرای طرح های خاص خود دسترسی نداشته باشند، مشارکت به سرعت جای خود را به بی علاقه‌گی خواهد داد (Kaotry, 2000).

اعتماد اجتماعی: اعتماد یکی از جنبه های همه روابط انسانی است و زمینه ساز مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه می باشد. اعتماد، مشارکت را در زمینه های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی سرعت بخشیده و تمایل افراد را برای همکاری با گروه های مختلف جامعه افزایش می دهد. بسیاری از فیلسوفان اجتماعی نظیر هابز و توکویل معتقدند که اعتماد، پایه و اساس نظم اجتماعی می باشد و اعتماد تنش ها را کاهش داده و انسجام را افزایش می دهد. باید توجه داشت که اعتماد، اکتسابی است و در طی جامعه پذیری پدید می آید و طی تجارب اجتماعی تقویت می شود (Zein Abadi, 2008).

به طور کلی اعتماد در سه سطح خرد، میانه و کلان مورد بررسی قرار می گیرد.

اعتماد در سطح خرد یعنی در روابط شخصی و فردی بسیار حائز اهمیت است. این ارتباط مربوط به سطح اطمینانی است که یک فرد نسبت به اعضای خانواده، دوستان و خویشان خود دارد. اصولاً اعتماد فرد در خانواده و داخل گروه های نزدیک و صمیمی به وی شکل می گیرد (Zein Abadi, 2008).

اعتماد در سطح میانه (عام و عمومی) به سطح اطمینانی مربوط می شود که یک فرد نسبت به عموم مردم و آنهایی که نمی شناسد دارد مثل اعتماد به سازمان ها و موسسات جامعه، مغازه داران، پلیس، رسانه ها، معلمین و غیره. باید توجه داشت که این سطح از اعتماد تاثیر بسیار مهمی بر روابط و تعاملات اجتماعی داشته و توانایی تنظیم کنندگی ارتباطات و مناسبات اجتماعی را دارد. این اعتماد می تواند در صورت ضعف و ناتوانی در سطح سوم اعتماد یعنی سطح کلان، می تواند جایگزین آن شود.

رضایت مردم از موسسات و و گروه ها و اصناف یعنی اعتماد در سطح میانی که این حوزه موجب رضایت و خشنودی آنها از نظام و دولت می گردد و مشروعیت عام را ایجاد می کند یعنی به وجود آورنده اعتماد در سطح کلان می باشد. گیدنز اعتماد را در سطح میانی مورد بررسی قرار می دهد. در دیدگاه گیدنز، اعتماد، انتظار بر آورده شدن چشم داشت ها در مورد رویداد های اجتماعی است.

از نظر وی نظام های تخصصی جوامع مدرن و امروزی وابسته به اعتماد هستند (Zein Abadi, 2008).

اعتماد کلان به سطح اطمینان و مقبولیت مردم از نظام و سیستم حکومتی و فعالیت ها و اقدامات دولت مربوط می گردد. به عبارت دیگر این وضعیت مربوط به ارزیابی سیاسی ناشی از ارتباط مردم با نهاد دولت است.

در همه جوامع و اجتماعات انسانی این سه سطح اعتماد وجود دارد. اما در هر یک شدت و ضعف این سه سطح با هم متفاوت است. در جوامع سنتی اعتماد غالب، اعتماد خرد است اما جوامع مدرن بر روابط و معاملات گسترده اجتماعی بنا شده اند و بیشتر بر اعتماد عام و عمومی تاکید می شود.

پیشینه تحقیق

■ عزیزاده و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله ای تحت عنوان " نهادهای شهری و مشارکت شهروندان در اداره امور شهری " به بررسی تأثیر نهادهای شهری بر مشارکت شهروندان در امور شهری است. نتایج پژوهش نشان میدهد که بیشتر شهروندان اصفهانی، مشارکت بالایی در امور شهری داشته اند. براساس نتایج این پژوهش، رابطه ی معناداری بین اعتماد نهادی و رضایتمندی اجتماعی با مشارکت وجود دارد. در مجموع، عملکرد نهادهای شهری بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری تأثیر گذار بوده است.

■ ابراهیم زاده و کاظمی زاد (۱۳۹۱) در مقاله خود تحت عنوان " سنجش میزان رضایتمندی و تمایل به مشارکت شهروندان در اجرای پروژه های زیربنایی شهرداری " به انجام سنجش میزان رضایت شهروندان از اجرای پروژه های زیربنایی شهرداری و تمایل به مشارکت آنان در اجرای این پروژه ها در شهر زاهدان است.

- ملک زاده و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله ای تحت عنوان "سنجش میزان مشارکت ذی نفعان و ذی نفوذان در راهبرد توسعه شهری" پس از بهره گیری از مبانی نظری موضوع، میزان مشارکت ذینفعان و ذی نفوذان در منطقه ۲۲ شهرداری تهران در چارچوب رویکرد راهبرد توسعه شهری بررسی شده است. در چارچوب رویکرد تحقیق، چهار بعد محیطی، اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی به عنوان زمینه مشارکت ذینفعان و ذی نفوذان در این پژوهش مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. یافته های پژوهش نشان می دهد که میزان مشارکت ذینفعان و ذینفوذان در توسعه منطقه ۲۲ در سالهای اخیر، رو به رشد بوده است و تمایل سرمایه گذاری اقتصادی (با میانگین ۱۵,۳) در منطقه بالا است. ولی به دلیل ناآگاهی اجتماعی و نبود اعتماد میان سازمانهای دولتی و شهروندان، تمایل اجتماعی ذینفعان و ذی نفوذان در منطقه (با میانگین ۸۲,۲) پایین است. این تحقیق معتقد است که نظام برنامه ریزی شهری در ایران باید به سمت رویکرد راهبرد توسعه شهری با تأکید بر مشارکت ذینفعان و ذینفوذان در تمامی ابعاد توسعه سوق داده شود.
- همچنین در مقاله ای از دکتر ملیحه شیانی تحت عنوان بررسی عوامل اجتماعی موثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت امور شهری تهران نتایج نشان داد که مشارکت شهروندان در مدیریت امور شهری باید داوطلبانه و هدفمند صورت گیرد. برنامه ریزان شهری نخست باید بر مشارکت ذهنی و تغییر در باورها و گرایش های شهروندان تأکید نمایند. رفتار مشارکتی در برنامه های شهری نیز باید در دو بخش انجام شود. در مرحله ی اول باید شناخت عوامل اثرگذار در مشارکت شهروندی، مورد توجه قرار گیرد و در مرحله ی دوم حفظ مشارکت در طرح ها و برنامه هایی است که اجرا شده است (Shiani, 2012).

بررسی سابقه طرح و مطالعات انجام شده نشان می دهد تاکنون موضوع این پژوهش به ویژه در ارتباط با ساختار مدیریت محلی مورد توجه قرار نگرفته و این پژوهش تلاش می کند تا بخشی از خلاء آن را پوشش دهد.

مبانی و چارچوب نظری

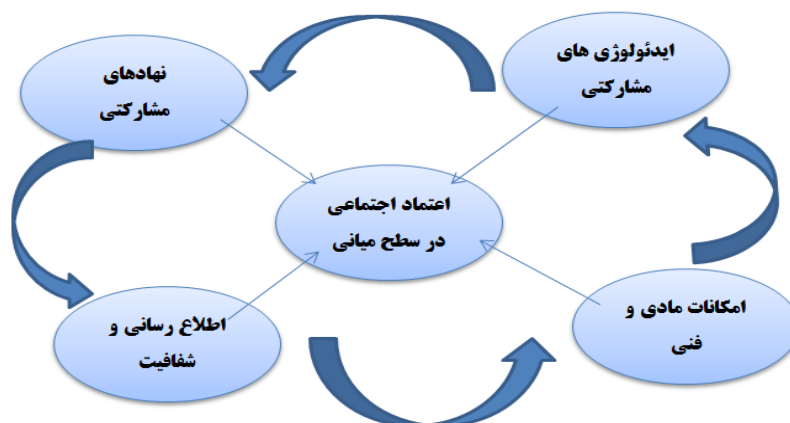
مشارکت شهروندی در عرصه های مختلف شهری در چارچوب جامعه مدنی سابقه بس طولانی دارد. مارکس، وبر، دورکیم، زیمل، پارک و دیگر جامعه شناسان از جمله کسانی بودند که به مسائل شهری و نقش شهروندان در امور شهری پرداختند و هر کدام بنا به باورها و رویکرد خود از زاویه ای خاص به این موضوع نگاه کردند و سپس به توصیف متغیرهای موثر ادامه دادند. در این میان ماکس وبر با تأکید بر توسعه مشارکت شهروندی به عنوان یک ابزار کلیدی در تشکیل شهر صحنه گذاشت. دورکیم شهر را عامل موثر در تسریع و رشد کار اجتماعی (شهروندان) می دانست و آن را عاملی در برقراری نظم و حل امور شهری می پنداشت. پارسونز معتقد است اجتماع هنجاری (گروه های شهری) نظم عمومی (شهر) را تنظیم می کند و لومان و میتز تال نقش اعتماد شهروندان را در نظم اجتماعی مهم تلقی می کند. بدین ترتیب آن چه در بطن این تحلیل ها قابل شناسایی است، تأکید بر مشارکت شهروندان بر حل مشکلات و معضلات اجتماعی شهر است که عموماً به اجتماعی و گروهی بودن این مشارکت توجه داشته اند (Ghaffary, 2011). مطابق این مبانی نظری می توان این گونه بیان کرد که توسعه شهری و پیشرفت در جهت ارتقاء سطح فرهنگی و اجتماعی شهروندان بی شک با در نظر گرفتن ویژگی های ذینفعان و ذی نفوذان معنا پیدا می کند. توجه به ذینفعان در قالب مشارکت و حضور شهروندی تبلور می یابد و مدیران شهری به عنوان ذی نفوذان به منظور جلب رضایت شهروندان و بهبود اقدامات توسعه ای باید به دنبال افزایش مشارکت مردمی باشند.

آنچه به عنوان چارچوب مفهومی مد نظر است مشارکت کاربردی به معنای حساس سازی مردم و افزایش پذیرش و توانایی آنان برای پاسخگویی به اقدامات ساختارمند توسعه ای است. از سوی دیگر مشارکت ذینفعان به صورت توانمند سازی و قابلیت تصمیم گیری بروز پیدا می کند. از آنجایی که مشارکت مردمی جزء حیاتی استراتژی های توسعه است باید با برخورد غیر ابزاری در

مشارکت مد نظر قرار گیرد چرا که بدون مشارکت واقعی تدبیر های توسعه ای غیرمردمی و فاقد نتیجه خواهد بود. هرچند مشارکت ابزاری برای دستیابی به اهداف توسعه است اما مشارکت کاربردی مبتنی بر وجود شهروندان آگاه و توانمند است.

با عنایت به موضوع و محدوده این پژوهش در طول ۶ سال گذشته سراهای محلات به عنوان زیر ساختهای ارائه دهنده خدمات اجتماعی فرهنگی به تدریج در سطح منطقه ۸ ایجاد و ساماندهی شده اند و می توان ادعا کرد که بخشی عمده از زیر ساختها ایجاد شده است و اکنون باید ما حاصل آنها و سیاست های گذشته مورد ارزیابی قرار گیرد. همچنین در این مدت بیشترین بهره برداران از زیر ساخت ایجاد شده زنان و کودکان بوده اند.

به منظور نهادینه کردن مشارکت ۴ اصل یا شرط زیر باید مد نظر قرار گیرد تا شاهد استمرار مشارکت از سوی ذینفعان و استمرار فرایندهای توسعه از سوی ذی نفوذان باشیم. اول ایدئولوژی های مشارکت که در اینجا با تقسیم عادلانه منابع و توسعه خودگردان نهادهای مشارکتی معنا می یابد. دوم نهادهای مشارکتی که سراهای محلات به عنوان پیشانی ارائه خدمات اجتماعی فرهنگی و شهروندان به عنوان گیرندگان خدمات را در بر می گیرد. سوم اصل اطلاع رسانی و جذب مخاطبان عام به سوی نهادهای ایجاد شده و چهارم امکانات فنی و مادی اختصاص یافته به حوزه مشارکت جویی شهروندی است. اصل پنجم اعتماد اجتماعی در سطح میانی است که پیوند دهنده اصول ۴ گانه است و به معنای رضایت مردم از موسسات و سازمانها و نهادهای متولی است و مردم در انتظار تحقق چشم داشت های خود از این مجموعه هستند. فرض می شود در صورتی که این ۵ اصل در کنار هم به شکل متوازن رشد و تکمیل یافته باشد باید شاهد بهبود نوع و اشکال مشارکت مردمی و از سوی دیگر افزایش اقدامات توسعه ای و هدفمند شدن آنها باشیم.



شکل (۱): مدل مفهومی پژوهش: چرخه دستیابی به مشارکت حداکثری

فرضیه

به نظر می رسد میزان موفقیت شهرداری در مدیریت شهر باعث افزایش میزان مشارکت مردم در برنامه های شهرداری می شود.

روش شناسی

روش مطالعاتی این تحقیق توصیفی و تحلیلی است. در بخش کمی از طریق ابزار پرسشنامه، داده ها در سراهای محلات و با محوریت خانوارهای منطقه تکمیل شده است. در بخش کیفی ابزار مصاحبه نیمه ساختار یافته و جلسات گروهی متمرکز استفاده شده است. همچنین مطالعات اسنادی و کتابخانه ای بخش دیگر تحقیق است. جامعه آماری این پژوهش شامل شهروندان ساکن در منطقه ۸ شهر تهران و همچنین مسئولین تصمیم گیر و مرتبط به موضوع می باشد. بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰، میزان جمعیت در این منطقه ۳۷۸,۷۲۵ نفر می باشد. همچنین بر اساس این آمار منتشر شده، ۱۲۵,۷۵۷ خانوار در این منطقه سکونت دارند. روش نمونه گیری در این پژوهش ترکیبی از نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای و سهمیه ای است. با توجه به روش نمونه گیری در

منطقه ۸ از ۳ ناحیه موجود ۱۳ محله انتخاب شدند و سپس ۱۳ سرای محله به عنوان پایگاه ارائه دهنده خدمات اجتماعی تعیین شده است. در نهایت به صورت تصادفی از درون محله خانوار هایی انتخاب شدند. با توجه به تعداد کل جمعیت منطقه ۸ که شامل ۳۷۸,۷۲۵ نفر می باشد، با محاسبه سطح خطای ۵ درصد در فرمول، افراد نمونه مورد بررسی در پیمایش به میزان ۳۸۴ نفر می باشد.

$$\frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)} = \frac{\frac{1/96^2 * 0.52 * 0.48}{0.05^2}}{1 + \frac{1}{387725} \left(\frac{1/96^2 * 0.52 * 0.48}{0.05^2} - 1 \right)} = 384$$

در پژوهش حاضر سعی شده است با نظرخواهی از «خبرگان» مرتبط در حوزه هر کدام از ابزارها، روایی شان تامین گردد. جهت برآورد پایایی، روش های مختلفی وجود دارد که در این پژوهش از روش آلفای کرونباخ برای سنجش پایایی استفاده شده است. برای این کار پس از تدوین پرسشنامه، تعداد سی نسخه از آن توسط پاسخگویان برای آزمون مقدماتی تکمیل و نتایج با استفاده از نرم افزار SPSS تحلیل و پایایی گویه ها مورد محاسبه قرار گرفت. جهت بررسی اعتبار، با توجه به اینکه پرسشنامه ساخته می شود، با مراجعه به نظرات اساتید محترم، اعتبار صوری پژوهش به دست آمده است. جامعه آماری در بخش کیفی مصاحبه های عمیق و گروهی شامل مدیران محلات، اعضای اصلی و علی البدل شورایی ها، نمایندگان نهادهای ذیل در سطح محلات ۱. آموزش و پرورش ۲. بسیج مردمی ۳. هیات های مذهبی ۴. انجمن جماعات ۵. سازمانهای مردم نهاد، مدیران ستادی و صف شهرداری که به طور مستقیم با موضوع در ارتباط اند، نخبگان و اساتید دانشگاهی که در این حوزه سرآمد هستند، مسئولین و مدیران در سازمانهای مربوطه می باشد. در مطالعات کیفی از شیوه نمونه گیری عمدی و بر اساس اشباع نظری استفاده شده که از هر محله با دینفعان به صورت فوکوس گروپ و انفرادی مصاحبه شده است. در ضمن با مدیران در سازمانها و نهادهای مرتبط و اساتید و نخبگان دانشگاهی مصاحبه صورت پذیرفته و در مجموع حداقل ۱۴ مصاحبه و ۱۳ فوکوس گروپ انجام گرفته است.

یافته ها

با توجه به بررسی به عمل آمده در این پژوهش میزان مشارکت اجتماعی در میان شهروندان در حدی بالاتر از متوسط ارزیابی شده است، هر چند که در برخی حوزه های مشارکتی شاهد وضعیت حداکثری و در برخی دیگر دارای شرایط حداقلی هستیم. در ادامه نتایج توصیفی در دو بخش کمی و کیفی بیان شده است.

۱- استفاده از نظرات و پیشنهادات مردم در مدیریت امور شهر: ۶,۴ درصد از پاسخگویان معتقدند که به صورت خیلی کم از نظرات آنها در مورد مدیریت شهر بهره گرفته می شود. در این میان، ۱۱,۹ درصد در حد کم، ۴۹,۲ درصد در حد متوسط، ۲۳,۵ درصد زیاد و ۸,۵ درصد در حد بسیار زیادی معتقد اند که از نظرات و پیشنهادات آنها بهره گرفته می شود. نتایج به دست آمده از نظرات و پیشنهادات پژوهش نشان می دهد تقریباً ۵۰ درصد پاسخگویان معتقدند در حد متوسطی از نظرات آنها در بحث مدیریت شهری استفاده می شود.

۲- اعتماد شهروندان به برنامه های شهرداری: بر اساس جدول زیر، ۱۲,۴ درصد از پاسخگویان در حد بسیار کمی به برنامه های شهرداری اعتماد دارند. در این میان، ۱۵,۲ درصد در حد کم، ۴۱,۸ درصد در حد متوسط، ۲۴,۷ درصد در حد زیاد و ۵,۹ درصد در حد بسیار زیادی به برنامه های شهرداری اعتماد دارند.

جدول (۱): توزیع فراوانی و درصد بر حسب اعتماد داشتن به برنامه های شهرداری

درصد	فراوانی	
۱۲/۴	۴۸	خیلی کم
۱۵/۲	۵۹	کم
۴۱/۸	۱۶۲	تا حدودی

زیاد	۹۶	۲۴/۷
خیلی زیاد	۲۳	۵/۹
کل	۳۸۸	۱۰۰
نما	تا حدودی	-

۱- میزان موفقیت عملکرد شهرداری در مورد پاکسازی و نظافت محلات: بر اساس نتایج پیمایش ۵,۴ درصد از پاسخگویان در حد بسیار کمی به میزان موفقیت در عملکرد پاکسازی و نظافت شهرداری اعتقاد دارند. در این میان، ۹ درصد در حد کم، ۳۷,۱ درصد در حد متوسط، ۴۱ درصد در حد زیاد و ۷,۵ درصد در حد بسیار زیادی به موفقیت عملکرد شهرداری در ارتباط با پاکسازی و نظافت محلات اعتقاد دارند.

۲- میزان موفقیت عملکرد شهرداری در مورد اصلاح پیاده رو و معابر: نتایج نشان می دهد ۴,۹ درصد از پاسخگویان در حد بسیار کمی به میزان موفقیت در مورد اصلاح پیاده رو و معابر شهرداری اعتقاد دارند. در این میان، ۹ درصد در حد کم، ۳۷,۱ درصد در حد متوسط، ۴۱ درصد در حد زیاد و ۷,۵ درصد در حد بسیار زیادی به موفقیت عملکرد شهرداری در ارتباط با اصلاح پیاده رو و نظافت معابر اعتقاد دارند.

۳- میزان موفقیت عملکرد شهرداری در مورد زیباسازی شهر: بر مبنای یافته های پژوهش ۲,۸ درصد از پاسخگویان در حد بسیار کمی به میزان موفقیت عملکرد شهرداری در زیباسازی فضای شهری اعتقاد دارند. در این میان، ۶,۷ درصد در حد کم، ۴۰,۵ درصد در حد متوسط، ۳۷,۱ درصد در حد زیاد و ۱۲,۶ درصد در حد بسیار زیادی به موفقیت عملکرد شهرداری در ارتباط با زیباسازی فضای شهری اعتقاد دارند.

۴- میزان موفقیت عملکرد شهرداری در مورد ایجاد پارک و فضای سبز: ۴,۶ درصد از پاسخگویان در حد بسیار کمی به میزان موفقیت در عملکرد در مورد ایجاد پارک و فضای سبز شهرداری اعتقاد دارند. در این میان، ۹,۸ درصد در حد کم، ۳۲,۵ درصد در حد متوسط، ۳۹,۴ درصد در حد زیاد و ۱۳,۷ درصد در حد بسیار زیادی به موفقیت عملکرد شهرداری در ارتباط با پارک و فضای سبز اعتقاد دارند.

۵- میزان موفقیت عملکرد شهرداری در مورد احداث اتوبان، زیرگذر و پل عابر: بر اساس یافته های پیمایشی ۲,۶ درصد از پاسخگویان در حد بسیار کمی به میزان موفقیت در عملکرد در مورد احداث اتوبان، زیرگذر و پل عابر شهرداری اعتقاد دارند. در این میان ۱۰,۳ درصد در حد کم، ۲۹,۴ درصد در حد متوسط، ۴۳,۶ درصد در حد زیاد و ۱۴,۲ درصد در حد بسیار زیادی به موفقیت عملکرد شهرداری در ارتباط با اتوبان، زیرگذر و پل عابر اعتقاد دارند.

۶- میزان موفقیت عملکرد شهرداری در مورد جلب مشارکت مردم در برنامه های شهرداری: نتایج پیمایش نشان می دهد ۹,۸ درصد از پاسخگویان در حد بسیار کمی به میزان موفقیت در عملکرد در مورد جلب مشارکت مردم در برنامه های شهرداری اعتقاد دارند. در این میان، ۱۷,۸ درصد در حد کم، ۴۴,۱ درصد در حد متوسط، ۲۴,۲ درصد در حد زیاد و ۴,۱ درصد در حد بسیار زیادی به موفقیت عملکرد شهرداری در ارتباط با جلب مشارکت مردم در برنامه های آن اعتقاد دارند.

۷- میزان موفقیت عملکرد شهرداری در مورد آموزش شهروندان در امور شهری: نتایج نشان می دهد ۳,۱ درصد از پاسخگویان میزان موفقیت عملکرد شهرداری در مورد آموزش شهروندان در حد بسیار ضعیف، ۲۰,۴ درصد در حد ضعیف، ۴۱ درصد در حد متوسط، ۲۵,۸ درصد در حد خوب و ۹,۵ درصد در حد بسیار خوب توصیف کرده اند.

آزمون فرضیه

فرضیه: به نظر می رسد میزان موفقیت شهرداری در مدیریت شهری باعث افزایش میزان همکاری مردم با شهرداری در مدیریت محلی شده است: نتایج حاصل از آزمون پیرسون حاکی از آن است که با توجه به سطح معناداری آزمون ($\text{sig} = 0,000$) این فرضیه تایید می شود. به عبارتی میزان موفقیت شهرداری در مدیریت شهری باعث تفاوت در میزان مشارکت مردم در برنامه های شهرداری می شود.

جدول (۲): میزان موفقیت شهرداری و همکاری مردم

متغیر مستقل متغیر وابسته	میزان موفقیت شهرداری در مدیریت شهری	زیاد	متوسط	کم	کل	مقدار ضریب پیرسون	سطح معنی‌داری
میزان همکاری مردم با شهرداری در مدیریت شهری	زیاد	۴۲	۳۲	۲۰۶	۲۸۰	۰/۲۲۳	۰/۰۰۰
	متوسط	۶	۱۰	۸۶	۱۰۲		
	کم	۰	۰	۲	۲		
کل		۴۸	۴۲	۲۹۴	۳۸۴		

داده های کیفی

با توجه به مدل نظری تحقیق، نتایج حاصل از مصاحبه های فردی و گروهی در پنج عنوان اصلی جمع بندی شد. در حوزه اجرا نیز مسایل مربوط به مدیریت محلی و مشارکت اجتماعی در قالب جدول نشان داده شده است. این پنج عنوان اصلی به شرح ذیل است. الف: قوانین، آئین نامه ها و دستور العمل های مربوط به مشارکت اجتماعی و مردمی، ب: نهادهای ایجاد شده در حوزه جذب و افزایش مشارکت های اجتماعی و مردمی، ج: زیر ساخت های مادی، فنی و پایه ای، د: اطلاع رسانی و روابط عمومی، و: اعتماد اجتماعی در سطح میانی بین مردم و نهادهای عمومی

جدول (۳): جمع بندی نظرات مصاحبه شوندگان

مؤلفه های اصلی	مصاحبه های گروهی و فردی محلات	نظرات مدیران میانی و ارشد شهرداری	سایر نظرات حائز اهمیت
قوانین، آئین نامه ها و دستور العمل های مرتبط با فعالیت محلات به عنوان پیشانی جلب مشارکت عمومی شهروندان	نقص، عدم شفافیت، ابهام و تفسیر به رای، یک طرفه بودن به سوی شهرداری، بی توجهی به ویژگی های بومی محلات	عدم جوابگو بودن نسبت به روند جاری محلات، بی توجهی به ویژگی های بومی مناطق، تمرکز بیش از اندازه و یکنواختی برای همه شهر	با توجه به نوپا بودن ساختار مشارکتی مدیریت محله هرچند قوانین دارای نواقصی است اما بهتر از بی قانونی است
نهادهای ایجاد شده - شوراباری - هیات امنا - مدیریت محله	ایجاد ساختارهایی چون مدیریت محله و شوراباری به درستی و با توجه به نیازهای مردم صورت گرفته است. اما به دلیل عدم اختیارات کافی نتوانسته جایگاه واقعی خود را پیدا کند.	ساختاری جدید و به منظور تقویت حکمروایی محلی است که با هدف فاصله گرفتن از نهاد خدماتی و تبدیل شهرداری به نهاد اجتماعی ایجاد شد اما به واسطه نقایص قانونی، ضعف بهره برداران و چند صدایی در مدیریت شهری نتوانسته به ظرفیت واقعی خود برسد	هرچند ساختار مدیریت محلی و شوراباری ها سابقه زیادی ندارد اما توانسته است به عنوان ابزار جلب مشارکت مردم حتی به شکل حداقلی عمل کند
زیر ساخت های مادی، فنی و پایه ای	زیر ساخت های موجود جهت جلب مشارکت عمومی و ارتقای کیفی آن همچون سراهای محلات، فرهنگسراها، بوستانها در سطح منطقه و آنچه در اختیار مدیریت محله محور قرار گرفته است ناکافی بوده و در صورتی که افزایش یابد می تواند به افزایش مشارکت شهروندی بی انجامد.	زیر ساخت های مادی و فنی موجود در نسبت به مناطق دیگر و همچنین نسبت به گذشته در سطح مطلوب قرار دارد هرچند می تواند کیفیت بهتری پیدا کند و نقایص آنها مثل مشکلات سراهای محلات رفع شود اما آنچه هم اینک وجود دارد به طور کامل و ۱۰۰ درصدی مورد بهره برداری قرار نگرفته است.	زیر ساخت های موجود در سطح منطقه بسته به محلات متفاوت است و توزیع نامتوازن امکانات مشهود است. همچنین به دلیل عدم ارزیابی صحیح درک مشترک و مشخصی از نحوه بهره برداری ها در دست نیست.
اطلاع رسانی و گزارش عملکرد به شهروندان	وضعیت روابط عمومی و اطلاع رسانی اقدامات و فعالیت های محلی و منطقه ای بسیار ضعیف است و در صورت تقویت می تواند بخش عمده ای از وظیفه آگاهی بخشی و جلب مشارکت را	وضعیت روابط عمومی و اطلاع رسانی اقدامات و فعالیت های محلی و منطقه ای بسیار ضعیف است و در صورت تقویت می تواند بخش عمده ای از وظیفه آگاهی بخشی و جلب مشارکت	شیوه اطلاع رسانی موجود پاسخگو نیست و محلات و منطقه نسبت به بکارگیری روش های نوین اطلاع رسانی باید اقدام کنند. بی شک افزایش ظرفیت ها از جمله داشتن

<p>سهمی از رسانه ملی مانند شبکه تهران مفید خواهد بود.</p>	<p>را پوشش دهد. بسیاری از اقدامات مثبت انجام شده از سوی مدیریت شهری می تواند اطلاع رسانی شده و موجب جلب اعتماد شهروندان شود. این اطلاع رسانی در سطح خرد و چهره به چهره توسط مدیریت محلی باید اتفاق افتد.</p>	<p>پوشش دهد. به دلیل مشکلات منابع بهتر است اطلاع رسانی و هزینه های مربوط به آن در بخش عمده خود توسط شهرداری منطقه صورت گیرد.</p>	
<p>با توجه به ویژگی های تاریخی اجتماعی و عملکرد گذشتگان میتوان نمره پایینی به اعتماد مردم به شهرداری داد. این سطح اعتماد بر آمده از اعتماد اجتماعی مردم نسبت به یکدیگر و حتی در سطح کلان است. نوع عملکرد و کیفیت کار شهرداری، برخورد با شهروندان مشارکت جو و نحوه پاسخ دهی به نیازها / عملکرد پیمانکاران مانند وضع بهداشت شهر/ به بی اعتمادی می افزاید</p>	<p>اعتماد به شهرداری به واسطه سابقه تاریخی از زمان بلدیة و حافظه اجتماعی مردم در سطح مطلوبی نبوده است اما بعد از انقلاب و به ویژه در سالهای اخیر با حرکت شهرداری از نهاد خدماتی به اجتماعی این اعتماد افزایش یافته است. توزیع منابع درآمد شهرداری بر اساس شاخص ها و ضوابط مشخص است که اگر در این شاخص ها به نحو مطلوب برای شهروندان اطلاع رسانی شود می تواند اعتماد آنها را افزایش دهد</p>	<p>مردم اعتماد شایسته ای به شهرداری ندارند و این موضوع به خاطر عملکرد شهرداری در حوزه های مختلف است. اعتماد موجود هم حداقلی است و برای کسانی است که منفعتی از شهرداری دریافت داشته اند. منابع شهرداری زیاد بوده و توزیع آن نامناسب است و این موضوع اعتماد مردم را سلب کرده است</p>	<p>اعتماد اجتماعی در سطح میانی به شهرداری</p>
<p>تا زمانی که مدیریت یکپارچه شهری تحقق نیافته است نمی توان از مدیریت محلی کامل با اختیار عمل مناسب صحبت کرد اما در حیطه اختیارات مدیریت شهری و بر اساس آیین نامه مدیریت محله محور می توان حوزه های دیگر از اجتماعی را به محله واگذار کرد</p>	<p>با توجه به نوپا بودن ساختار مدیریت محله و اینکه ایجاد کننده این ساختار شهرداری است نمی توان انتظار زیادی از اختیارات محلی داشت هر چند با توانمند شدن محلات و اقدامات بهتر می بایست اختیارات بیشتری واگذار شود اما همین سطح از اختیار نیز در سازمانهای دیگر وجود ندارد</p>	<p>مدیریت محله صرفا محدود به حوزه فرهنگی اجتماعی و شهرداری است و در ارتباط با سایر حوزه ها و سازمان ها بلا اعتبار است. اختیارات حوزه شهرداری نیز در شکل حداقلی است و تا زمانی که به رفع نیازهای مدیریت شهری کمک کند و مورد توجه است</p>	<p>اختیار عمل در حوزه مدیریت محلی</p>

بحث و نتیجه گیری

مشارکت وسیله ای برای دستیابی به اهداف توسعه انسانی و یک ارزش مستقل در توسعه جوامع شهری به حساب می آید چنانکه در اجرای هر طرح، شهروندان در مراحل از آن مشارکت فعالانه داشته باشند غالباً موفقیت حاصل می شود و به همین دلیل مشارکت مردم به عنوان مهمترین عامل در موفقیت طرح ها به شمار می رود. مشارکت در زندگی جمعی حقی طبیعی قلمداد شده و در دهه های اخیر در مدیریت شهری مورد تأکید قرار گرفته است. در عصر حاضر مشارکت در همه قلمروها نقش عمده ای دارد و شهروندان به صورت فردی و گروهی، خواهان حاکمیت بر سرنوشت خود هستند. مهمترین جنبه های مشارکت، فراهم آوردن پیش شرط های لازم برای استفاده از توانایی بالقوه مالی، علمی، فکری و... آنان است. از سوی دیگر، سپردن امور به شهروندان، مستلزم روحیه مشارکت طلبی و کار جمعی است که تاکنون در جامعه ما زمینه مساعد چندانی برای آن وجود نداشته است.

جایگاه مشارکت در قوانین برنامه ریزی شهری در ایران در چارچوب قوانین و مقررات متعددی انجام می شود. شهرداری تهران به عنوان اولین شهر کشور با تشکیل شورایی و سراهای محلات تلاش کرد با تغییر رویکرد از نهادی خدماتی به نهادی اجتماعی و فرهنگی زمینه مشارکت را فراهم آورد. نتایج پژوهش حاضر نشان می دهد در میان عواملی که از گسترش سریع مشارکت جلوگیری

می کنند، نبود برنامه ای است که زمینه مشارکت جوانان را فراهم کند و درک آن را آسان گرداند و سبب تسهیل مدیریت کلان شهری گردد. اگر بخواهیم برای ایجاد مشارکت فعال شهروندان دنبال ابزاری مناسب باشیم، می توانیم جلب اعتماد شهروندان از سوی مسئولان شهری را مهمترین ابزار قلمداد کنیم چرا که پاسخگویان اظهار داشتند اکثریت مدیران نسبت به شهروندان پاسخگو نیستند و نظرات مردم در مدیریت شهری تا حد کمی اجرایی می شود که این لزوم ایجاد اعتماد جدی را فراهم می آورد. به واقع امروزه نمی توان بر اساس رهیافت های توسعه ی گذشته عمل کرد، مسائل شهری به حدی از پیچیدگی محتوا و عملکرد رسیده اند که نیازمند استفاده از تمامی نیروهای شهروندی در فرآیند مدیریت کلان شهری می باشد و در کلیه مراحل طرح (قبل از اجرا، در حین اجرا و بعد از اجرا) مشارکت شهروندان نقش پر اهمیتی را بازی می کند. همچنین تمامی متخصصان و برنامه ریزان شهری در این اصل متفق القول اند که فقدان تخصص های کافی در امور شهر و شهرداری در ترکیب اعضای شوراها، از مهمترین چالش های برنامه ریزی و مدیریت شهری است که تحقق نیافتن موضوع مشارکت شهروندان در امور شهر از جمله آنهاست. لازمه موفقیت همه ی برنامه های مشارکتی، اعتقاد و باور سیاستگذاران، برنامه ریزان و مدیران شهری بر تأثیر مثبت مشارکت شهروندان در حل مسائل و معضلاتی می باشد که زمینه بهبود کیفیت معیشت آنان را فراهم می کند.

جمع بندی و تحلیل نتایج کمی و کیفی در پاسخ به پرسش های پژوهش نشان داد که وضعیت مشارکت شهروندان در برنامه های اجتماع محور مدیریت شهری در حدی متوسط است و سراهای محلات در قالب مدیریت محله محور توانسته اند با کاهش فاصله بین مدیریت شهری و شهروندان نقش واسطه ایفا کنند. اهداف، تشکیلات و وظایف سراهای محله نمایانگر این است که هرچند به صورت قانونی، وظیفه ی حمایت اجتماعی و خدمات رفاهی به آنان اعطا نشده است اما چارچوب نهادی آن در کشور ما موجود است. اما به نظر می رسد این نهادها به عنوان نهادهای فراگیر فعالیت نمی کنند.

همچنین تأثیر مثبت مدیریت محله محور بر کیفیت مشارکت شهروندان به ویژه در آشنایی با مفاهیم و آموزه های شهروندی مشهود است اما چالش های فراروی این نهاد توانسته است با اختلال در فعالیت ها و تصمیم گیری ها سهمی هم در کاهش مشارکت مردمی داشته باشد. فقدان زیر ساخت های قانونی و رسمی، عدم شناخت جایگاه سرای محله و مدیریت محلی توسط مردم، عدم خودباوری مدیران شهری و محلی نسبت به عملکرد خود، عدم عضویت نمایندگان همه گروه ها در تصمیمات محلی، حوزه وسیع و سطحی فعالیت های شهرداری در سطح محله، عدم دسترسی به اطلاعات کافی در خصوص اقدامات مدیریت شهری، محدودیت های ساختاری و ضعف مدیریت در سطوح کارشناسی و اجرایی، تنگناها و محرومیت های مالی، نیاز به درآمدزایی و استقلال مالی، ضعف ارتباطات بین صف و ستاد- حوزه تصمیم و اجرا از جمله این چالش هاست.

تایید فرضیه تحقیق نشان داد که هرچه شهرداری تهران در حوزه اقدامات قانونی خود با کیفیت و شفافیت بیشتری عمل کند و بتواند به موفقیت های بیشتر و قابل احساس برای شهروندان دست یابد به همان میزان می تواند شاهد افزایش مشارکت و همیاری شهروندان در اموری باشند که شهرداری متولی آن است. موفقیت در اجرای قانون مند مدیریت محله محور می تواند از جمله این اقدامات باشد. چیزی که تاکنون نتوانسته به شکل حداکثری خود برسد و صرفاً در سطح مشارکت صوری و حداقلی باقی مانده است.

همانطور که تمرکز زدایی مدیریتی، واگذاری مسئولیت های برنامه ریزی از سطوح دولتی به نهادهای محلی و بالاخره مشارکت دادن مردم در فرآیندهای توسعه شهری از طریق تدوین قوانین و فرآیندهای رسمی برای اخذ نظرات مردم در امر برنامه ریزی و مدیریت شهری در کشورهای توسعه یافته و یا در حال توسعه به طور جدی مطرح است. بکارگیری مشارکت مردم در برنامه ریزی شهری زمانی ممکن خواهد بود که این نظام اجازه استفاده از نظرات مردم را بدهد و به گونه ای سازماندهی شده باشد که دخالت مردم در فرآیند برنامه ریزی را ممکن سازد.

در برنامه ریزی مشارکتی به نقش قدرت و صاحبان قدرت (شهروندان و مسئولان شهری) در فرآیند تصمیم سازی و مدیریت کلان شهری توجه ویژه ای می شود تا با در نظر گرفتن ساز و کارهای موجود گامی در جهت ارتقاء مشارکت محوری برداشته شود. در جهت نیل به هدف این پژوهش راهکارهایی به صورت زیر پیشنهاد می گردد:

- تغییرنگرش اقتدار گرایانه مسئولین شهری و اقتدار بخشیدن به شهروندان
- تقویت اعتماد اجتماعی به منظور رسیدن به توسعه و تعمیم مشارکت شهروندان در امور شهری
- ایجاد انگیزه برای فعالیت های دست جمعی و رفع محرومیت بر اساس معیارهای عدالت اجتماعی در شهر
- تشویق فعالیت های گروهی و طرح شعارهای مشارکت جویانه از سوی شهرداری ها در کنار حمایت قاطع از بخش خصوصی
- مشارکت از طریق جامعه مدنی و توسعه بیش از پیش سازمان های مردم نهاد
- حضور نیروهای متخصص جوان در کنار نیروهای با تجربه برای برنامه ریزی های منسجم شهری
- شناساندن رابطه متقابل شهر به شهروندان و مسئولیت هایی که هر یک بر عهده دارند
- تثبیت شوراها و ارتقای نقش آن ها به عنوان نماد واقعی مشارکت مردمی

References

1. Alavitabar, A. (2000). Participation in city affairs administration.(2ed). Organization of municipalities of the country(iran)
2. Asghari zadeh, E. (2007). Public oversight and organizational development. tehran: Tehran municipality
3. Athari, Z. (2007). Public oversight and organizational development2. tehran: Tehran municipality
4. Bahadori, N. (2010). Citizenship Rights in Urban Management. tehran: the municipality of Tehran
5. Bo Gattis (2010). The Why's and How's of Citizen Satisfaction Surveys: An Examination of
6. Cities Alliance (2005), "The impact of city strategies, Washington D.C, USA
7. Cohen, J., 1999, "Changing Paradigms of Citizenship and the Exclusiveness of the Demos", International Sociology, 14 (3): 245–268.
8. Doran, B & R. Abdolrahmani. (2009). Neighborhood identity. Concepts and Approaches of Neighborhood Development. tehran: tarheno
9. Ehterami, M. (2009). Sustainable social organization on a neighborhood scale. Popular participation and neighborhood development. tehran: tarheno
10. Ghaffary, Gh. & Azkia. (2001). the relationship between trust and social participation in kashan. tehran: Social Sciences Magazine
11. Ghaffary, Gh. (2004). Social trust in Iran. tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance
12. Ghaffary, Gh. (2011). Public Participation and Urban Affairs. Tehran: nashr jamee farhang
13. Kalantari, A. (2012). Debate on Citizen Participation in City Affairs. Tehran: tisa
14. Kamanroudi, M. 2009. Structural Constraints of the Municipality. Concepts and Approaches of Neighborhood Development. tehran: tarheno
15. Kaotry, H. (2000). Participation in development. Translate by Hadi GHebraei. Tehran: ravesh
16. Madani, S. (2010). Constituency-oriented congregations. Tehran: Yadavaran
17. Manfred, Josef. "Contextualization An Approach to Improve Participation in Urban Planning Processe.2005
18. Mohghar, A. (2009). Local management and sustainable development. Concepts and Approaches of Neighborhood Development. tehran: tarheno
19. Mollahasani, H. (2009). Social capital at the neighborhood level. Concepts and Approaches of Neighborhood Development. tehran: tarheno
20. Momtaz, F. (2000). City Sociology. tehran: Enteshar

21. Nasiri, M. (2009). The role of NGOs in social participation. Concepts and Approaches of Neighborhood Development. tehran: tarheno
22. Nejati Hosseini, M. (2010). Urban Management. Tehran: Urban Management Magazine
23. Nikbin, S. (2007). Women's cultural participation and family welfare. Tehran. farhang
24. Piran, P. (2000). Participatory Methods in the Study of Poverty. Tehran: university of social welfare and rehabilitation
25. Rahpouyan, P. (2009). Reviewing the views of the citizens of Tehran About the performance of the municipality of Tehran. tehran: the municipality of Tehran
26. Rasooli, B. (2013). Investigating the willingness of citizens to participate in the management and development of neighborhood parks in Tehran. Tehran: university of Tehran
27. Rezaei, A. (2006). Social Participation: The Purpose or Development Tool. Journal of Political and Economic Information. 109-110
28. Shiani, M. (2012). Investigation of Social Factors Affecting Citizen Participation in Urban Affairs Management of Tehran. tehran: Journal of Urban Studies, Islamic Azad University.
29. Vahida, F. (2004). The Relationship between Family Structure and Social Participation. tehran: Social Sciences Magazine
30. World bank, A. (1999), urban and local government development strategy, World bank
31. Zahediasl, M. (2002). Basics of Social Welfare. Tehran: university of allame tabatabaei
32. Zein abadi, M. (2008). A Survey on the Status of Trust in Iranian Society. Tehran: Research Institute for Strategic Research